

عوامل پیدا و پنهان حملات انتحاری

رضا احسانی



مردم افغانستان با وجودی که همه روزه شاهد حملات تروریستی بوده و در سوگ عزیزان و وابستگان شان که در حوادث تروریستی جان شان را از دست داده اند، نشسته اند؛ اما در شانزده سال گذشته کمتر شاهد محاکمه، مجازات و یا اعدام هراس افگنان بوده اند. چرا یک نفری که حاضر است در یک لحظه جان صدها نفر بیگانه را بگیرد، به اعدام محکوم نمی شود؟ چرا مردم افغانستان از تعقیب و پیگیری پرونده های قضایی نیروهای هراس افگن دور نگه داشته می شوند؟ مسأله سسومی که مردم را دچار نگرانی کرده، این است که در سال های اخیر همه از مردم می دانند که انتقال افراد انتحاری از سوی مرزها تا مرکز کشور و نیز انتقال انواع سلاح های سبک و سنگین، مهمات و تجهیزات و وسایل لازم در عملیات های تروریستی در کابل، پایتخت و در مهمترین نقاط شهر، بدون همکاری مقامات عالیترتبه دولتی ممکن نیست.

سازمان ناتو و متحدان بین المللی اش که مسئولیت آموزش، تجهیز و ارتقای ظرفیت مسلکی این نیروها را به عهده داشتند، به جایی این که به صورت اساسی و همه بعدی به آموزش این نیروها توجه کنند، به آموزش های کوتاه مدت و ابتدایی این نیروها بسنده کردند. چنانچه امروز ارگان های امنیتی قادر به کشف و پیشگیری از حادثه تروریستی نیستند و نمی توانند عوامل پدیده های تروریستی را شناسایی و دستگیر کنند، در صد پیشتر این ناکامی ها به دو عامل فوق ارتباط پیدا می کند. باید قبول کنیم که هم ارگان های کشفی و اوپراتیوی ما و هم نهادهای عدلی و قضایی ما در برخورد با هراس افگنان، برخورد ضعیف و حتا شکک برانگیزی داشته اند. علاوه بر این که مردم از نیروهای کشفی و اوپراتیوی در رابطه با کشف، شناسایی و دستگیری عوامل تروریسم شکایت دارند. این نیروها در سال های قبل بارها اعلام کرده بودند که نیروهای هراس افگن را در زمان انجام عمل تروریستی بالفعل دستگیری می کنند و پرونده آنها را به سازمان های فرستند، اما ارگان های عدلی و قضایی پس از چند مدتی حکم به آزادی این افراد می دهند.

آماده نکرد. تنها زمانی که جنگ در افغانستان پیش از حد انتظار به طول انجامید و شکست نیروهای خارجی در جنگ محرز گردید، مسأله آموزش و تقویت نیروهای امنیتی در دستور کار نیروهای خارجی قرار گرفت. روند آموزش این نیروها چنان سطحی و با سرعت انجام گرفت که در مدت دو سال، کشورهای عضو ائتلاف بین المللی در افغانستان تصمیم گرفتند تا مسئولیت کامل تأمین امنیت افغانستان را به این نیروها بسپارند و این نیروها برای پیشگیری از افتادن در باتلاق جنگ افغانستان به تدریج این کشور را ترک کنند. بنابراین روند آموزش نیروهای امنیتی با عجله و از روی اضطرار و ناگزیری صورت گرفت، تا راه برای خروج نیروهای بین المللی از این کشور فراهم گردد. این آموزش نمی توانست عوامل ساختگی حجم عظیم مشکلاتی باشد که افغانستان با آنها روبرو می باشد. به این دلیل در تقویت نیروهای امنیتی هم حکومت و دستگاه های امنیتی کوتاهی کرده اند و این نهادها را به عرصه بازیگری سیاسی خود در رقابت های درون دولتی تبدیل کرده اند و از سوی دیگر اعضای

از مواردی است که می تواند به فساد و خویشخوری در دستگاه امنیتی ارتباط داشته باشد. سازمان های امنیتی در هر کشور یکی از ستون پایه های نظام سیاسی به حساب می آید و نظم، امنیت، ثبات و بالاخره پیشرفت و ترقی در سلامت و قدرت نیروهای امنیتی یک کشور بستگی دارد. اگر این سازمان ها ضعیف باشند، زمینه مداخله کشورهای خارجی در امورات کشور فراهم می گردد و استقلال و تمامیت ارضی نیز به مخاطره می افتد. اما اگر نیروهای استخباراتی، دفاعی و امنیتی در هماهنگی با یکدیگر در راستای تأمین منافع ملی تلاش کنند و قدرت، ظرفیت و توانایی های خود را در عرصه امنیتی به اثبات برسانند، دیگر دشمنان جرأت مداخله در امورات کشور را به خود نمی دهند؛ زیرا این نیروها نیز قادر خواهند شد تا در برابر مداخلات کشورهای خارجی و دسیسه ها و توطئه های داخلی بایستند و فعالیت های تخریبی و ضد منافع ملی دشمنان را خنثی سازند. متأسفانه یکی از ضعف های بزرگ جامعه جهانی در یک و نیم دهه گذشته این بود که برای تقویت توانمندی های نیروهای امنیتی تدابیر جدی را در نظر نگرفت و آنها را برای مقابله با تهدیدها و دسیسه های دشمنان

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن

قسمت دوم



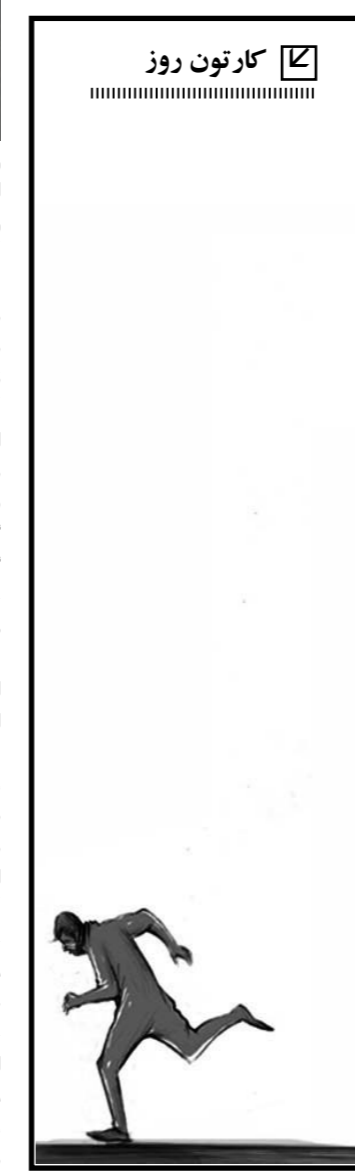
وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار نامایمات می شوند. (۷) علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب رومی آوری فرد به اهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود. بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری به نجوی از انجا از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی توجهی، بی موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته اند؛ به عبارت دیگر، از نظر آنان والدین و انحرافات ایشان در بزهکاری شان نقش داشته اند. (۸)

تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح «خودی» نشان دهند. و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند. (۵) عده ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می زنند. گاهی هم عده ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل این که روحیه فاسدی دارند و به اصطلاح بی بند و بار و بی هویت اند و یا هدفی در زندگی ندارند، میل به بزهکاری پیدا می کنند. ج. عوامل اجتماعی در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کرد: - آشننگی کانون خانواده از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور

از دیگر مشکلات روحی روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود، می توان به ضعف عزت نفس، احساس کمتری، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند. ب. عوامل فردی حوزه عوامل فردی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱. آرزوهای بلند؛ ۲. خوش گذرانی و لذت طلبی؛ ۳. قدرت، استقلال و عافیت طلبی؛ ۴. زیاده خواهی؛ ۵. بی بندوباری و لاپالایی گری؛ ۶. بی هویتی و بی هدفی در زندگی. افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاصله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرایمی می شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را فقط یک کار فتنی و به عنوان گذران اوقات فراغت می دانند بسا اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار ناپهناکار نماید، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می زنند. گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل،

و احساسات آنان توجه نمی کنند. این افراد اغلب با رویاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم اند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می نهند. آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای ناپهناکار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند. گروهی نیز افرادی برون گرا و به دنبال لذت جویی آتی هستند، ذم را غنیمت می شمارند، دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند، تشنه هیجان و ماجراجویی اند، به همین دلیل برای لذت جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می زنند. سرانجام گروهی از افراد بزهکار نیز مشخصه بارزشان، پرچوش و خروشی و بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است. این گونه شخصیت ها برای آنکه «خود»ی نشان دهند، هر تجربه ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود، انجام می دهند. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی، استقلال طلبی افراطی، خودباختگی احساسی و غلبه کنش های احساسی بر کنش های عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرناک و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند.

این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می کنند تا جلب توجه نمایند. گروهی از افراد بزهکار و کجرو نیز ویژگی های شخصیتی دیگری دارند؛ خودمحمور و بیوسسته و متعصب و توجسه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها



سرمقاله

چرا فعالیت های تروریستی افزایش می یابد؟

حفیظ الله زکی

تندروی و افراط گرایی یک تهدید جدی برای امنیت جهانی به شمار می رود. گروه های تندرو و افراط گرا سال ها است که امنیت جهان را برهم زده و در کشورهای نامن تر پناهگاه ساخته و افراد ملکی و بی گناه را با بیرحمانه ترین روش ها به قتل رسانده اند. خطر گروه های تروریستی در سال ۲۰۰۱ میلادی، پس از انفجار برج های دو قلو تجارت جهانی در آمریکا جدی گرفته شد. زمانی که کشورهای بزرگی مانند آمریکا متقاعد شدند که این گروه ها می توانند حتا از استحکامات شدید امنیتی عبور کنند و مهمترین مراکز سیاسی، نظامی و اقتصادی را مورد حمله قرار دهند.

از سال ۲۰۰۱ به این طرف، ده ها گروه تروریستی در مناطق مختلف جهان و از جمله در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، فعال شده اند.

نا امنی و جنگ های داخلی در کشورهای آفریقای، آغاز بهار عربی در کشورهای عرب، جنگ های فراگیر و تمام عیار در سوریه و عراق و دوام نامنی در افغانستان و وجود دهها پایگاه تروریستی در وزیرستان شمالی و جنوبی پاکستان، همه بیانگر این است که کوشش جامعه جهانی برای سرکوب و از بین بردن گروه های هراس افگن نه تنها به ثمر نرسیده است که این گروه ها با امکانات و تجهیزات بیشتر و تاکتیک های پیچیده تر وارد عمل گردیده و ساحه فعالیت های خود را در سراسر جهان گسترش داده اند.

آغاز سال نو میلادی و برگزاری جشن کریسمس در کشورهای اروپایی و آمریکا نشان داد که گروه های تروریستی چگونه می توانند امنیت روانی میلیون ها انسان را در سراسر جهان بهم بزنند و بزرگترین جشن سال آنها را با ترس و هراس از حملات تروریستی، کم رنگ تر سازند.

این پرسش مهم است که پاسخ داده شود که این گروه های خشن چگونه شکل می گیرند و در کجا و در چه زمینه ای پیدا می شوند و به رشد خود ادامه می دهند؟ از نظر منطقی یک گروه باید سالها تلاش کند تا اعتماد مردم را نسبت به کارکردها و باورهای خود جلب نماید و آنگاه با حمایت مردمی فعالیت های خود را به پیش ببرد. ولی در مورد گروه های تروریستی موضوع کاملاً فرق می کند. این گروه ها تحت رهبری افراد گمنام و با سابقه نه چندان خوب در یک منطقه نامن و درگیر جنگ های داخلی شکل می گیرد و با سرعت باور نکردنی قلمرو نفوذ شان را گسترش می دهند و سایر گروه های موجود را وادار به تسلیمی و یا ترک منطقه می کنند.

استراتژی و تاکتیک های جنگی آنها چنان پیچیده و سنجیده شده است که گویا این گروه ها دوره های سخت آموزش های نظامی و استخباراتی را گذرانده اند. در حالی که این گروه ها سابقه فعالیت مؤثر در منطقه را نداشته است، اما به آسانی می توانند از میان جوانان سربازگیری کرده و آنها را به حمایت از خودشان وادارند.

تهیه اسلحه و مهمات و فراهم آوردن امکانات لجیستیکی در جنگ، کار ساده ای نیست؛ مگر این که یک منبع عایداتی قوی و مطمئن وجود داشته باشد. پس این سؤال پیش می آید که منابع عایداتی تروریستان چیست؟ آنها چگونه می توانند از عهده مصارف گزاف جنگ برآیند؟

تجربه نشان داده است که گروه های تروریستی خود بخود به صورت اتومات به وجود نمی آیند. پشت سر تشکیل این گروه ها، یک تصمیم استراتژیک، خطرناک و دراز مدت وجود دارد. این تصمیم با منافع برخی کشورهای منطقه و جهان گره خورده است و از اینرو با امکانات و تجهیزات کافی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرد. پس تشکیل گروه های تروریستی یک پروژه سیاسی و امنیتی است که در راستای اهداف استراتژیک و راهبردی برخی کشورها صورت می گیرد و تا زمانی که این اهداف تغییر نکند و یا کشورهایی که از گروه های تروریستی و ترویج افکار افراطی به عنوان ابزار سیاسی و امنیتی در منطقه سود می برند، تحت فشار افکار بین المللی قرار نگیرند، مبارزه با این پدیده شوم با موفقیت همراه نخواهد بود.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۴۲

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com